



کلاهبرداری میلیاردی با ویزای خبالی

مردی که به بهانه تهیه ویزای کشورهای اروپایی دست به کلاهبرداری از شهروندان می‌زد دستگیر شد. این مرد که در تهران، مشهد و کرج فعالیت داشت با ادعای نفوذ در سفارتخانه‌ها، محصه‌هایش را قریب می‌داد و با وعده تهیه ویزا، دست به کلاهبرداری می‌زد. او بیش از ۲ میلیارد تومان از شاکیان کلاهبرداری کرده بود.

آن سوی مرز

جنجال حمله مسلحانه به خانه ریپر معروف



جنگ لفظی میان کندریک لمار و دریک، ۲ ستاره موسیقی رپ که در روزهای گذشته به درگیری میان طرفدارانشان هم کشیده شده است، با حمله مسلحانه به خانه دریک و مجروح شدن یک نگهبان وارد مرلحه‌ای تازه شد. به گزارش همشهری به نقل از بی‌بی‌سی، ساعت ۲ باامداد سه‌شنبه به وقت محلی، حمله مسلحانه‌ای به عمارت مجللی در خیابان لانس شهر تورنتو صورت گرفت؛ مالک این عمارت، دریک، خواننده معروف رپ است و در جریان این حمله، نگهبان خانه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. به دنبال این حمله، بافلاصله پلیس مداخله کرد و نگهبان مجروح به بیمارستان منتقل شد. تحقیقات اولیه نشان می‌داد که مظنونان این حمله از یک وسیله نقلیه به نگهبان خانه شلیک کرده و سپس از صحنه فرار کرده‌اند. به گزارش پلیس تورنتو، مشخص نیست که آیا دریک، هنگام حمله در خانه‌اش حضور داشته و هدف اصلی حمله مهاجمان بوده است یا خیر. با این حال تحقیقات گسترده برای یافتن مهاجمان آغاز شده و به گفته پلیس به دلیل کیفیت پایین ویدئوهای ضبط شده در دوربین‌های مدار بسته، شناسایی متهمان کار ساده‌ای نیست. رسانه‌های کانادا احتمال می‌دهند این حمله مسلحانه به جنجال‌های پیش آمده میان ۲ ستاره رپ یعنی کندریک لمار و دریک مرتبط باشد که در روزهای گذشته یکی از مهم‌ترین خبرهای دنیا بوده است. بر اساس این گزارش، درگیری میان این دو خواننده از زمانی به اوج رسید که لمار با انتشار آهنگی، دریک را به داشتن رابطه با زنان زیر سن قانونی و نگهداری از چند مجرم جنسی در خانه‌اش متهم کرد. این درگیری‌ها حتی به جدال میان طرفداران این دو خواننده نیز کشیده شده و حالا تحقیقات پلیس برای شناسایی ضارب که احتمال می‌رود با درگیری ۲ خواننده معروف ارتباط دارند، ادامه دارد.

دانستی‌های حقوقی

آیا قصاص همان اعدام است؟



اگر اهل خواندن اخبار حوادث باشید، حتماً بارها با واژه‌های قصاص و اعدام روبرو شده‌اید. هر چند در نگاه اول ممکن است اینطور به نظر برسد که قصاص و اعدام فرقی با هم ندارند، اما از منظر حقوقی، این دو

مجازات شرایطی کاملاً متفاوت دارند. سیدمسعود موسوی، عضو کانون وکلای استان تهران در این باره می‌گوید: اعدام و قصاص هر دو مجازات‌های سالب حیات هستند؛ با این تفاوت که قصاص نفسی، یک مجازات قابل گذشت است و اولیای دم می‌توانند به‌طور مجانی یا با مصالحه، رضایت و اعلام گذشت کنند، اما اعدام چون از طرف قانونگذار تعیین شده یک جرم غیر قابل گذشت است و فقط در صورت وجود شرایط خاصی در قانون، مثل توبه یا عفو رهبری ممکن است به مجازات دیگری تبدیل شود. او می‌افزاید: اعدام با حقوق کیفری در ریزه یکی از مجازات‌های آشد و سنگین قرار دارد که توسط اغلب کشورها به روش‌ها گوناگونی مثل به دار آویختن، اتاق گاز، تزیق سم و صندلی برقی به اجرا درمی‌آید. برخی از مهم‌ترین موارد قانونی که مجازات اعدام در آن اجرا می‌شود عبارتند از:

اعدام مجارب: در قانون مجازات اسلامی برای مجاربه ۴ مجازات (اعدام، سلب تبعید و بریدن دست راست و پای چپ) تعیین شده است. قاضی دادگاه کیفری با توجه به شیوه ارتکاب جرم و شرایط پرونده در انتخاب هر کدام از ۴ مورد فوق مختار است و تنها می‌تواند یکی را مورد حکم قرار دهد.

اعدام مفسد فی الارض: طبق ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی هر کس به‌طور گسترده مرتکب جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد، امنیت عمومی، اقتصاد، محیط زیست و ... شود، در صورت وجود قصد جرمانه به‌عنوان مفسد فی الارض شناخته شده و به مجازات اعدام محکوم می‌شود.

اعدام زانی و زانیه: در صورتی که یک شخص با مجارم نسبی خود مرتکب ناشود، مجازات زانی و زانیه اعدام است. همچنین در صورتی که یک مرد یا زوجه پدر خود زنا کند، به اعدام محکوم می‌شود.

مجازات زانی به‌عنف و اکراه: براساس قانون مجازات اسلامی اگر مردی یا نوسل به زور و عنت با زن یا مرد دیگر نزدیکی کند، به مجازات اعدام محکوم می‌شود. راهزنان، قاچاقچیان و کسانی که دست به سلاح می‌برند و موجب سلب امنیت شهرها و خیابان‌ها می‌شوند نیز به مجازات اعدام محکوم می‌شوند.

اعدام کنسی: که برای چهارمین بار مرتکب جرم حدی **شود:** در صورتی که یک نفر مرتکب جرم حدی مثل سرقت حدی، قذف یا زنا شود و هر سه بار مجازات حدی بر او اجرا شود، در صورت ارتکاب چهارمین جرم حدی و اثبات آن، به مجازات اعدام محکوم می‌شود. موسوی درباره نحوه اجرای قصاص و اعدام هم می‌گوید: این دو با هم متفاوت است. قصاص نفس در حضور اولیای دم یا نماینده قانونی آنها اجرا می‌شود و اعدام از سوی واحد اجرای احکام دادرسی دادگاه گسرتری و توسط نماینده دادستان انجام می‌شود و در مواقعی بسینه به مورد خاص ممکن است به‌صورت علنی اجرا شود.



دستگیری ربایندگان دختر ۱۸ ماهه

آدم‌ریایی که دختر ۱۸ ماهه را در استان گیلان ربوده بودند، در خلخال دستگیر شدند. این دختر بچه سوار بر یک دستگاه پراید بود که ربایندگان ماشین را به همراه کودک ربوده‌اند اما پلیس توانست آدم‌ریایان را در جاده خلخال دستگیر کند و دختر خردسال را تحویل خانواده‌اش بدهد.

گزارش خبرنگار اعزامی همشهری به استان هرمزگان؛ از بندهکاران مالی تا بنده قاچاقچیان مواد مخدر زندان بندرعباس

اینجا زندانیان مشغول کارند



گزارش محمدجعفری روزنامه‌نگار

برای بعضی‌ها اواخر دنیاست و برای بعضی دیگر شروع زندگی تازه، در اینجا هر کسی داستان خودش را دارد. یکی یک عمر در آرامش زندگی کرده و به‌خاطر یک لحظه عصبانیت قاتل شده و دیگری به طمع به‌دست آوردن پول، هوس سوداگری مرگ به سرش زده و تبدیل شده به قاچاقچی مواد. یکی سابقه‌دار است و می‌گوید چون کاری ندارد باز هم ممکن است خلاف کند و دیگری می‌گوید زندان او را تنبیه کرده و منتظر فرصتی دوباره برای جبران مالی زندان مرکزی بندرعباس است.

به گزارش همشهری، روز دوشنبه برای نخستین‌بار درهای زندان مرکزی بندرعباس به روی خبرنگاران باز شد تا آنها چشم‌انداز زندان شهروندان باشند و آنچه را که آنها نمی‌بینند روایت کنند. در این بازدید همچنین قرار بود خبرنگاران گوش شنوا برای زندانیان باشند و مشکلات و درد دل‌هایشان را از پشت دیوارهای زندان برای مسئولان منعکس کنند. بعد از عبور از ۱۳ ایستگاه امنیتی، کریپور زندان قرار دارد؛ راهروی طولانی با سقفی نسبتاً کوتاه. در طرفین کریپور راهروهایی به چشم می‌خورد که در ورودی هر یک درهای بزرگ آهنی قرار دارد. درهایی که به اندرگ‌هایی راه دارد و براساس نوع جرم زندانیان، دسته‌بندی

شده‌اند. برخی از آنها مخصوص زندانیان جرائم خشن است. در برخی دیگر مجرمان مالی نگهداری می‌شوند و اندرگاهی مخصوص هم برای زندانیانی است که از اتباع بیگانه هستند. یکی از بندهای زندان مخصوص بانوان است. چند نفر از آنها مرتکب قتل شده‌اند. ۳ نفر از آنها به اتهام قتل شوهرشان زندانی شده‌اند. شماری از این زنان زندانی، مادر هستند و آنهایی که فرزندان کمتر از ۳ سال دارند آنها را در زندان کنار خود نگه می‌دارند و از امکانات ویژه برای فرزندان‌شان برخوردارند.

زندان به روایت رئیس کل

مجتبی قهرمانی، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان در این باره می‌گوید: زندان‌های استان هرمزگان در حال حاضر ۱۵۶ زندانی دارد که ۲۷۳ نفر از آنها از اتباع کشورهای دیگر

هستند که به‌خاطر ارتکاب جرائم مختلف دستگیر و زندانی شده‌اند. او ادامه می‌دهد: این‌باره می‌گوید: در اینجا ۴ نوع ملاقات وجود دارد. ملاقات کابینی که خیلی به‌ندرت اتفاق می‌افتد، ملاقات حضوری که خانواده زندانیان می‌توانند به‌صورت رودر رو با عزیزان‌شان دیدار کنند، ملاقات خصوصی که زندانیان می‌توانند در محل خاصی که در نظر گرفته شده با اعضای خانواده‌شان به مدت یک تا سه روز زندگی کنند و ملاقات آنلاین که شروع آن با ابتکار دادگستری هرمزگان از زندان بندرعباس بود، او در ادامه می‌گوید: زندانیان از طریق کابین‌هایی که ایجاد شده در بستری امن می‌توانند با خانواده‌های‌شان به‌صورت آنلاین ملاقات کنند و این موضوع بازتاب خوبی داشته است. زندانیان می‌توانند هفته‌ای چند نوبت از این طریق با خانواده‌هایشان دیدار داشته باشند.

است. رئیس کل دادگستری هرمزگان در این باره می‌گوید: در اینجا ۴ نوع ملاقات وجود دارد. ملاقات کابینی که خیلی به‌ندرت اتفاق می‌افتد، ملاقات حضوری که خانواده زندانیان می‌توانند به‌صورت رودر رو با عزیزان‌شان دیدار کنند، ملاقات خصوصی که زندانیان می‌توانند در محل خاصی که در نظر گرفته شده با اعضای خانواده‌شان به مدت یک تا سه روز زندگی کنند و ملاقات آنلاین که شروع آن با ابتکار دادگستری هرمزگان از زندان بندرعباس بود، او در ادامه می‌گوید: زندانیان از طریق کابین‌هایی که ایجاد شده در بستری امن می‌توانند با خانواده‌های‌شان به‌صورت آنلاین ملاقات کنند و این موضوع بازتاب خوبی داشته است. زندانیان می‌توانند هفته‌ای چند نوبت از این طریق با خانواده‌هایشان دیدار داشته باشند.

گفت و گو

گیتارهایی که در زندان کوک می‌شود



بخشی از زندان بندرعباس به کارگاه‌های تولیدی اختصاص دارد. در اینجا شماری از زندانیان در حرفه‌های متفاوتی مشغول به‌کار هستند. یکی از این بخش‌ها کارگاه ساخت گیتار است. یکی از کارگران این بخش جوانی است که به‌اتهام قاچاق روئین به ۱۷ سال حبس محکوم شده است. او می‌گوید در مدتی که زندانی است، حدود ۱۰ گیتار ساخته و معلوم نیست تا زمانی که در زندان حضور دارد چند گیتار درست می‌کند.

چطور زندانی شدی؟

حدود ۲۰ ماه است که اینجا هستم. من ۴۳ سال دارم و آن زمان به جرم قاچاق ۲ کیلو هرئین دستگیر شدم. من راننده بودم و مواد داخل باری بود که حمل می‌کردم. من از محتویات بار خبر نداشتم و ناخواسته گرفتار شدم.

پیش از این چه شغلی داشتی؟

من لیسانس نقشه‌برداری دارم و قبلاً مهندس نقشه‌بردار بودم. گاهی هم رانندگی می‌کردم.

قبلاً سابقه دستگیری داشتی؟

قبلاً به‌خاطر مصرف مواد مخدر دستگیر شدم و به‌جز این هیچ سابقه‌ای ندارم. این بار ما به تحمل ۱۷ سال زندان محکوم شدیم که تا به حال ۲۰ ماه از آن گذشته است.

حالا در زندان روزها را چطور می‌گذرانی؟

روزهای اول که گنج بودم اما بعد در کارگاه‌های تولیدی مشغول به‌کار شدم. حدود ۶ ماه طول کشید تا ساخت گیتار را یاد گرفتم و الان مدتی است که روزها در کارگاه، به ساخت گیتار مشغولم. در این مدت چند گیتار ساخته‌ای و آیا این کار برایت در آمدی هم دارد؟ حدود ۱۰ تا ساخته‌ام. گیتارها را برای‌مان در بیرون می‌فروشند و شنیده‌ام که تعدادی از گیتارهای تولیدی زندان به کشورهای دیگر هم صادر شده است. درست است که ما در اینجا کمی محدودیت داریم اما کیفیت کارمان اگر بیشتر از محصولات بیرون نباشد چیزی از آنها کم ندارد. هر کدام از گیتارهای‌مان را در بیرون بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان می‌فروشند.

خواستنت از مسئولان قضایی چیست؟

طبق قوانین جدید این امکان وجود دارد که ما با رأی باز از زندان خارج شویم. از ایسن راه می‌توانیم در بیرون کار کنیم و زندگی‌مان را بگذرانیم. اگر امکان استفاده از حق قانونی به‌مادده شود، زندگی‌مان کمی بهتر می‌شود.

گفت و گو

بدهی میلیونی که میلیاردی شد

«۱۰۰ میلیون تومان فرض گرفتیم تا بیماری‌ام را معالجه کنیم اما بعد از مدتی چون نتوانستیم بدهی‌ام را پرداخت کنیم بدهی‌ام به ۲ میلیارد تومان رسید و طلبکار زندانی‌ام کرد.» این بخشی از حرف‌های یکی دیگر از زندانیان زندان بندرعباس است. او در گفت‌وگو با همشهری از دلایل زندانی شدنش گفت.

از چه سالی زندانی شدی؟

من ۶۰ سال دارم. ۴ سال قبل به‌دلیل مشکلی که در پایم داشتم نمی‌توانستم کار کنم. به همین دلیل به فکر معالجه افتادم. پزشکان گفتند که باید نوع خاصی پروتز در پایم کار گذاشته شود و هزینه‌اش حدود ۱۰۰ میلیون تومان می‌شد. من این پول را نداشتم و نمی‌دانستم که باید چه کار کنم تا اینکه یکی از آشنایان این پول را به من قرض داد. مدتی گذشت تا اینکه او گفت پولش را می‌خواهد. به‌دلیل جور کردن ۱۰۰ میلیون بودم اما او گفت در این مدت بدهی‌ام زیاد شده و به‌خاطر گران شدن طلا و دلار باید به او ۲ میلیارد تومان بدهم. من چنین پولی نداشتم. او هم که کلی مدرک از من داشت زندانی‌ام کرد. این شد که از ۴ سال قبل زندانی شده‌ام.

در این مدت برای رضایت شاک می‌تلاشی کرده‌ای؟

چند نفر واسطه فرستادم تا شاید پدر او را قرضی کنند یا همان مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان رضایت بدهد اما فایده‌ای نداشت. او گفت اگر من تا آخر عمرم هم در زندان بمانم برایش مهم نیست و رضایت نمی‌دهد.

در زندان چگونه اوقات را می‌گذرانی؟

آنها که جوان تر هستند در کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کنند اما من که سن و سالی را گذرانده‌ام توان این کارها را ندارم و بیشتر وقتم به صحبت کردن با دیگر زندانیان می‌گذرد.

خواستنت از مسئولان قضایی چیست؟

از آنها می‌خواهم فکری به حال من و امثال من کنند. چون زندانی‌هایی با شرایط من زیاد است. من از روی ناچاری و برای درمان پول قرض گرفتم، اما حالا گرفتار شده‌ام. تا وقتی که در زندان هستم نمی‌توانم بدهی‌ام را پرداخت کنم. اگر آزاد شوم می‌توانم کاری کنم و به‌طور اقساطی بدهی‌ام را بدهم.

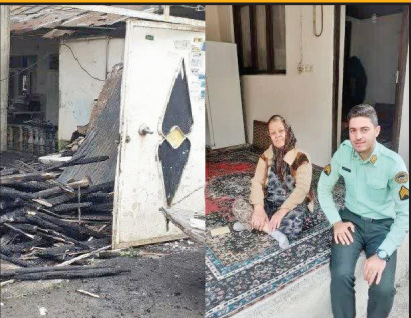
پلیسی، فرشته نجات زن سالخورده

شرایط با رعایت نکات ایمنی خودش را به داخل خانه رساند و متوجه شد که در آنجا زنی سالخورده زندگی می‌کند که گرفتار آتش شده و قادر به خروج از خانه نیست. مأمور جوان

به گزارش همشهری، این حادثه چند روز پیش در شهرستان سیاهکل در استان گیلان رخ داد. آن روز یکی از مأموران کلانتری سیاهکل در حال گشتزنی در یکی از محله‌های شهر بود که متوجه دود سیاهی شد که از پشت‌بام یک خانه مسکونی به هوا بلند شده بود. همه‌چیز از وقوع آتش‌سوزی در این خانه حکایت داشت و مأمور جوان به سرعت خود را به آنجا رساند، اما هر چه در زد، جوابی نشنید. او در ادامه متوجه فریادهایی شد که از داخل خانه به گوش می‌رسید. در این

مأمور پلیس جوان، وقتی متوجه گرفتار شدن زن سالخورده در خانه آتش گرفته شد، خود را به آتش زد تا این زن ر نجات دهد.

به گزارش همشهری، این حادثه چند روز پیش در شهرستان سیاهکل در استان گیلان رخ داد. آن روز یکی از مأموران کلانتری سیاهکل در حال گشتزنی در یکی از محله‌های شهر بود که متوجه دود سیاهی شد که از پشت‌بام یک خانه مسکونی به هوا بلند شده بود. همه‌چیز از وقوع آتش‌سوزی در این خانه حکایت داشت و مأمور جوان به سرعت خود را به آنجا رساند، اما هر چه در زد، جوابی نشنید. او در ادامه متوجه فریادهایی شد که از داخل خانه به گوش می‌رسید. در این



داخلی

جنایت باورنکردنی دختر ۱۰ ساله



در جنایتی عجیب، نادر و باورنکردنی، دختری ۱۰ ساله از سر حسادت همبازی خود را به قتل رساند تا گوشی او را سرقت کند. به گزارش همشهری، عصر یازدهم بهمن پارسل دختر ۱۰ ساله‌ای به نام ستایش که برای بازی با دوستانش از خانه خارج شده بود گم شد و ۳ ساعت بعد، جسد او در تپه‌های اطراف محله مسعودیه و در فاصله نزدیک از خانه‌شان پیدا شد. او با ضربات چاقو به قتل رسیده بود و به‌نظر می‌رسید که گوشی موبایلش در دیده شده است.

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در جریان تحقیقات متوجه شدند که مقتول آخرین بار همراه دختر ۱۰ ساله همسایه به نام شبنم دیده شده است. آنها به سراغ شبنم رفتند اما متوجه رفتارهای عجیب او شدند. مأموران متوجه شدند گوشی سرقت شده از ستایش (مقتول) در اختیار شبنم است اما هنوز باورشان نمی‌شد که این جنایت هولناک توسط این دختر خردسال رخ داده است. با این حال شبنم در جریان تحقیقات به قتل همبازی‌اش اعتراف کرد و گفت: همیشه به ستایش حسادت می‌کردم چون هر چیزی را که می‌خواست، داشت. تصمیم گرفته بودم گوشی موبایل ستایش را سرقت کنم. برای همین سراغش رفتم و او گفتم بیا برویم پشت تپه‌ها بازی کنیم. وقتی به یک محل خلوت رسیدیم و مطمئن شدم که کسی ما را نمی‌بیند، با چاقو او را زدم و گوشی‌اش را برداشتم. بعد هم به خانواده‌ام گفتم گوشی را پیدا کرده‌ام. این دختر خردسال در ادامه حرف‌هایش گفت: من همیشه فیلم‌های ترسناک و جنایی می‌دیدم. دیده بودم که چطور با چاقو آدم می‌کشند. از یکی از همین فیلم‌ها تقلید کردم و دوستم را به قتل رساندم.

دختر بچه ۱۰ ساله در ادامه گفت: دیدن فیلم‌های ترسناک تأثیر بدی روی من گذاشته بود. حتی گاهی تصور می‌کردم که اگر خودم تبدیل به یک قاتل زنجیره‌ای شوم چه می‌شود؟ اظهارات شبنم در حالی بیان می‌شد که وقتی مأموران سراغ او رفتند متوجه شدند که داخل گوشش پنبه گذاشته است. شبنم در این باره گفت: چند وقتی است که صداهای عجیب و زمزمه در گوشم می‌شنوم. از یک نفر پرسیدم که گفت صدای جن است! حتی آن روز هم همان صداهای جن به من گفتند که گوشی ستایش را سرقت کنم. من هم داخل گوشم پنبه گذاشته بودم که صداهای شنوم. بررسی‌های پلیس نشان می‌دهد که شبنم در خانواده‌های بزرگ شده که به‌دلیل مشکلات مالی مجبور شده بود به جای رفتن به مدرسه در کنار خواهرانش در تولیدی یا خانه‌های مردم کار کند. در حالی که دلش می‌خواست مانند همبازی‌های دیگرش به مدرسه برود و درس بخواند. او حتی گفت که ۲ مرتبه تصمیم به خودکشی گرفته اما نرسیده است. پس از اعتراضات این دختر، مأموران متوجه شدند که او در گوشش سرتقی چندین فیلم ترسناک و جنایی برای تماشا دانلود کرده. در این شرایط وی به پزشکی قانونی معرفی شده تا سلامت روانی‌اش تحت بررسی قرار بگیرد.

نگاه

چه شد که کودک ۱۰ ساله قاتل شد؟



جنایت باورنکردنی دختر بچه ۱۰ ساله، بی‌شک زنگ خطر است در خصوص آسیب‌های ناشی از استفاده کودکان از موبایل و اینترنت. مناسبت عسکر، روانشناس در حوزه خانواده، کودک و نوجوان می‌گوید: برای کودکان مرز نامشخصی بین خیال و واقعیت وجود دارد و در واقع تماشای فیلم‌هایی که در ژانر ترسناک و جنایی هستند می‌تواند اثرات مخرب بسیاری روی کودک بگذارد. می‌توان گفت یکی از مواردی که دختر بچه ۱۰ ساله‌ای در این سن کم دست به جنایت زده، اعتماد شدیدش به تماشای اینگونه فیلم‌ها بوده است. البته که عدم کنترل خانواده هم در این پرونده نقش بسزایی داشته است.

وی ادامه می‌دهد: با توجه به اعتراضات این دختر بچه می‌توان گفت که وی مبتلا به اختلالات روانی است. وجود فیلم‌هایی که در گوشش است نشان می‌دهد که این بچه از قبل صحنه‌های خشن و ترسناک مشاهده کرده است. سپس به مرور زمان، حس ترس در وجود این بچه از بین رفته است. در نهایت بعضی از صحنه‌ها برایش عادی شده است: صحنه‌های خشونت‌آمیزی مانند ارتکاب قتل یا درگیری. در واقع عادی‌سازی صورت گرفته است.

این روانشناس ادامه می‌دهد: نکته دیگر این است که این کودک می‌گوید به‌خاطر حسادت و برای به‌دست آوردن گوشی موبایل همبازی خود، جانش را گرفته است. او با دیدن همبازی خود، همان صحنه‌های خشونت‌آمیز برایش تداعی شده و به راحتی در دنیای واقعی آن را بازی می‌کند. در حقیقت نمی‌تواند واقعیت و از فیلم متمایز کند. همان مرز خیال و واقعیت است. کودکان هر آنچه در فیلم‌ها می‌بینند را به دنیای کودکانه خود وارد کرده و سعی می‌کنند از آنها تقلید کنند. حتی ممکن است به تقلید از محتوای فیلم‌ها صدمه‌های غیرقابل جبرانی به خود یا اطرافیان وارد کنند.

این روانشناس می‌گوید: عدم نظارت والدین مبنی بر اینکه او چه برنامه‌هایی با چه محتوایی تماشا می‌کند هم در این موضوع بی‌تأثیر نیست. حتی اگر والدین متوجه این مسئله شده بودند باید با دادن آگاهی، اطلاعات و دانش در دست فرزندان، آنها را از محتوای این فیلم‌ها و عوامل تأثیرگذار آن آگاه کنند. این بچه در وضعیت نابسامانی پرورش یافته و دچار بی‌ثباتی هیجانی شده است.